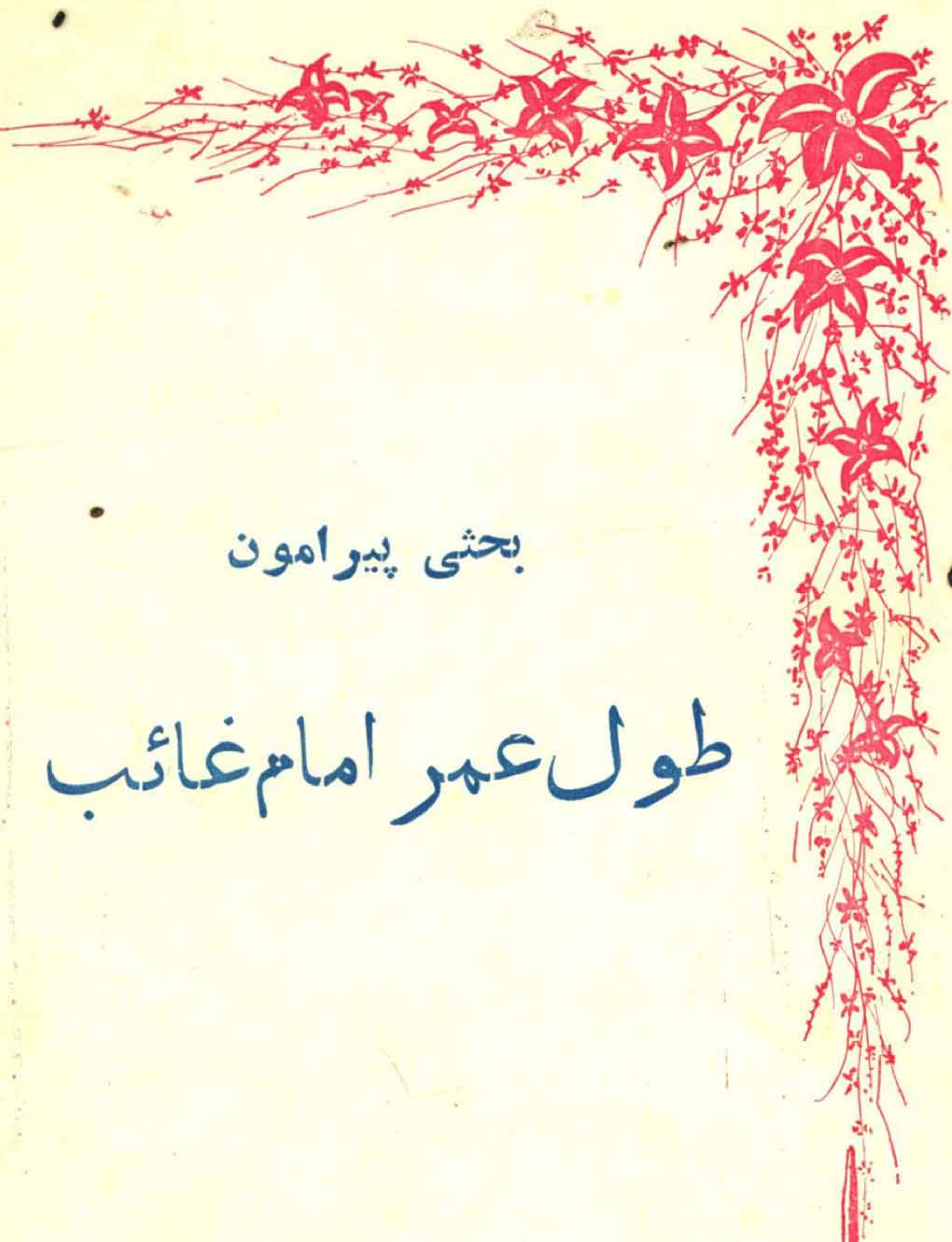


A decorative red floral illustration in the top right corner, featuring a cluster of stylized flowers and a trailing vine with small blossoms.

بحثی پیرامون

# طول عمر امام غائب

دایره انتشارات دارالتبلیغ اسلامی - قم



چاپ حکمت - قم

# دراز طول عمر امام غائب

چگونه ممکن است ، انسانی بیش از هزار سال عمر کند در صورتیکه هرگز انسان عمری باین درازی نمی کند ؟

طبق اعتقاد شیعه ، امام غائب (عج) نزدیک بیازده قرن و نیم عمر کرده و هنوز هم زنده است و بعد از این هم چه مدتی عمر خواهد کرد جز خداوند کسی نمی داند .

چون این جریان برخلاف نظام عادی طبیعت است از دیر زمان مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است خصوصاً در عصر ما که آنرا عصر « شدت و سرعت » نامیده اند اینگونه مسائل طوری مطرح می شود که در گذشته باین شدت و وسعت نبوده است . در هر مجلسی که از امام غائب سخن بمیان می آید سؤالاتی هم در همین زمینه تکرار می گردد .

خلاصه این، یکی از مهمترین اشکالاتی است که بمذهب شیعه متوجه است و لذا نگارنده می کوشد تا پاسخ قانع کننده این اشکال را در اختیار خوانندگان محترم قرار دهد .

### این جهان نظامی دارد :

در پاسخ این سؤال نخست باید بیک نکته توجه نمود. انسان در محیط زندگی خود بیک سلسله از امور عادت نموده است و اگر واقعهای برخلاف آنچه عادت کرده ، بشنود بسیار بعید و بلکه غیر ممکن می شمارد . مثلاً : ما سبز شدن و باردار شدن درخت میوه را در محیط زندگی خود این چنین دیده ایم : فصل بهار که برسد هوا ملایم می شود کم کم شاخه های بی برگ درختان شکوفه و گل و برگ در می آورند و پاپای گرمی هوا پیش میروند همینکه فصل تابستان فرا رسید میوه های رسیده بر شاخها ظاهر می شوند. باین وضع ما عادت کرده و خو گرفته ایم ولی ناگفته پیداست چنانکه از روز اول غیر از این وضع را دیده بودیم مسلماً بهمان عادت می کردیم و هیچ جای تعجب هم نبود.

همچنین ما چنین مشاهده کرده ایم افراد بشر که از مادر متولد می شوند چندین سال ( تقریباً ۱۵ سال ) دوران کودکی خود را می گذرانند و بعد بدوران جوانی قدم میگذارند و مدتی هم ( ۱۵ - ۴۰ ) معمولاً در سن جوانی هستند و سپس مراحل پیری و ناتوانی را می گذرانند بالاخره بعد از سپری گشتن دوران پیری ( ۴۰ -



۷۰) می‌میرند، انسان چون از روز اول این‌طور دیده است با این وضع عادت کرده است و لذا همینکه می‌شنود انسانی هزار و اندی سال عمر کرده، تعجب می‌کند.

البته اگر از اول بغیر این عادت می‌کردیم باین معنی که می‌دیدیم افراد بشر بیش از این عمر می‌کنند بآن خومی گرفتیم.

بالاخره، رسیدگی بشرائط و اوضاع زندگی ما را بیک اشتباه فکری دچار کرده است و هر چیزیکه برخلاف عادت و خو گرفته‌های ماست بعید می‌شماریم و آنچه بآن انس گرفته ایم حقیقت‌پنداشته و آنرا بر نوامیس و حقایق کلی جهان آفرینش غلبه می‌دهیم و کارگاه عظیم و حیرت‌انگیز جهان خلقت را مسخر فکر محدود خود می‌کنیم.

فلاسفه می‌گویند: از آنجا که کارهای طبیعت مانند امور ریاضی تحت ضبط نیست، از بس طبیعت مشتمل بر غرائب و نوادر است و از بس کارهای غیر عادی دیده می‌شود و لذا باید هر چیزیکه انسان از غرائب و عجائب می‌شنود اگر دلیل علمی و قطعی بر محال بودن آن نباشد؛ نباید آنرا انکار کند، در اینجا باید سؤال کرد که کدام دلیل عقلی و عملی داریم بر اینکه عمری باین درازی محال و غیر ممکن است؟!

آیا تا حال هیچ کتابی دیده‌اید که میزان عمر انسان را تعیین کند؟ کدام دانشمند و فیلسوف میزان عمرها را تعیین کرده است؟

اساساً در کدام نظامنامه عمر بشر تحت ضبط در آمده است ؟ و کدام لیستی در این باره امضاء شده است که قوای طبیعی انسان همان است که در زیر نظر ما گذاشته شده است ؟ بالاخره از نظر علمی این چه ایرادی است و کدام دانشمند عمر طولانی را محال دانسته است ؟

فقط انسان می تواند بگوید که این امر قدری بعید است با اصطلاح چون برخلاف جریان عادی است عادتاً بعید است انسانی به این اندازه عمر کند. والبته عمری باین درازی در زمان ما قابل استبعاد می باشد ، ولی چیزیکه هست هیچکس نمی تواند بگوید محال است .

« . کسی باخباریکه در خصوص امام غائب از پیغمبر اکرم (ص) و سائر ائمه اهل بیت (ع) وارد شده ، مراجعه نماید خواهد دید نوع زندگی امام غائب را بطریق خرق عادت معرفی می کنند .

والبته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی توان خرق عادت را نفی کرد» (۱)

بدین جهت اعتراض پیروان ادیان دیگر مانند کلیمیها و مسیحیها و سایر فرق اسلامی در این باره به شیعه ها بسیار شکفت — آوراست چه اینکه بموجب کتابهای آسمانی خودشان، خرق عادت



و معجزات را در باره پیامبران خداوند پذیرفته‌اند و آنان از این قبیل مسائل هر جوابی بدهند شیعه نیز همان جواب را در اینجا میدهد .

ممکن است کسی ایراد کند: هر چند قدرت مالمحدود است و این کار هم امکان دارد ولی این چه اصراری است که هر چه ممکن باشد باید بآن معتقد بود زیرا این جهان روی يك سلسله علت و معلول تنظیم شده است باصطلاح این جهان يك نظام مخصوصی دارد باید بآن معتقد بود ولی چیزیکه بیرون از نظام عادی طبیعت است اگر اعتقاد کنیم در آن صورت نظم کلی بهم می‌ریزد هرج و مرج و بی‌نظمی جهان را فرا میگیرد .

در پاسخ این ایراد باید گفت: تنها قدرت الهی و امکان چیزی منشاء وجود آن نیست یعنی این طور نیست بمجرد اینکه چیزی امکان وقوع داشته باشد باید بآن اعتقاد کرد و این جهان اسباب و مسبباتی هم دارد ولی ما نباید تصور کنیم علل و معلول جهان همانهایی است که ما آنها را می‌شناسیم و فکر ما با آنها عادت کرده است مسلماً حقایق و نوامیس این جهان منحصر بهمین کشفیات علمی امروزی نیست و غیر از اینها اسرار و رموز بیشماری است که هنوز بشر آنها را نشناخته است .

« هر گز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان، کار می‌کنند تنها همانهایی هستند که ما آنها را دیده‌ایم و »

«می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم، یا آثار و»  
 «اعمال آنها را ندیده‌ایم، یا نفهمیده‌ایم، وجود ندارد. از این»  
 «رو ممکن است که در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی»  
 «بوجود آید که عمری بسیار طولانی هزار یا چند هزار ساله برای»  
 «ایشان تأمین نماید و از این جاست که جهان پزشکی تا کنون از»  
 «پیدا کردن راهی برای عمرهای بسیار طولانی نومید و مأیوس نشده  
 است» (۱)

آری اگر بشر به تمام حقایق و رموز جهان هستی واقف می‌شد و  
 مقیاسی هم برای سنجش قوه حیاتی انسان از حقایق اتخاذ می‌کرد  
 در آن صورت مقیاس، مقیاس کاملی بود و بوسیله آن می‌توانستیم طول  
 حیات انسان را اندازه بگیریم و تحت ضبط کلی در آوریم.  
 ولی از آنجائیکه مقیاس سنجش عمرها از فکر و مآنوسات  
 ما تولید شده است مسلماً نمی‌تواند در مقام سنجش مقیاس سلب و  
 ایجاب کلی قرار بگیرد.

### نظم کلی این جهان درك نشده است :

نظر ما همیشه به نظام عادی طبیعت است و با آن انس گرفته‌ایم  
 ولی هنوز نظم کلی این جهان با عظمت را چنان درك نکرده‌ایم که  
 بتوانیم در کلیه امور فهم خود را مقیاس قرار دهیم و هر چیزی که از  
 احاطه علم ما بیرون است آنرا نفی نموده و هر چه در خور فهم ما است



آنرا اثبات کنیم .

بد نیست این مطلب را در ضمن يك مثال ساده بیان کنیم :  
مثلاً شما گندم را ملاحظه کنید و آن در انبار بیش از یکی دو سال  
باقی نمی ماند از بازار گندم فروشان سؤال کنید آیا طبیعت گندم  
چقدر اجازه بقامیده ؟ در جواب خواهند گفت : اگر در جای  
مرطوب نگهدارند بیش از شش ماه عمر نمی کند ولی چنانکه در  
جای خشك نگهداری شود از یک سال الی دو سال عمر می کند .  
می گویند این طبیعت گندم است .

اگر بخواهیم همین گندم را در سنبل نکه داری بکنیم بیش  
از هفتاد و هشتاد سال عمر می کند و حتی امکان دارد بیش از این  
باقی بماند ، چنانکه در کاوشهای باستانی ، حفاریهاییکه در مصر  
باستان بعمل آمده در مقبره فرعون مصر ، گندمهایی در سنبل  
از اهرام مصر بدست آوردند و در شك بودند که آیا قوه نمودر آنها  
باقی است یا نه ؟ آنها را برای امتحان کاشتند کاملاً سبز و بارور  
شد و بثمر رسید .

حساب کنید که آیا چند سال بر آنها گذشته ؟ دست کم  
چهار هزار سال ، البته اینها از جنس همان گندمهایی است که در  
انبار گندم بیش از یکی دو سال عمر نمی کند .

ولی از آنجائیکه سروکار مردم با گندم انباری است اگر  
از کسی سؤال کنند گندم چه مدت می تواند قوه نمو خود را حفظ

کند، مقیاسی که برای سنجش قوه حیاتی گندم بدست میدهد دو سال است .

ولیکن مامی بینیم اگر همان گندم را در خوشه نگهداری کنند بقدری عمر گندم زیادتر می شود که انسان از شنیدن آن تعجب می کند ! !

حال باید دید گندمی که عمر طبیعی آن در نزد ما بیش از دو سال نیست چه طور می شود در شرائط دیگر عمر آن به چهار هزار سال می رسد ؟

فکر کنید اگر عمر دو ساله گندم در شرائط دیگر به چهار هزار سال برسد چه مانعی دارد عمر طبیعی انسان ( ۷۰-۸۰ سال ) را یکواحد فرض کرده و دو هزار برابرش کنیم تا مطابق عمر گندمهایی باشد که از اهرام مصر بدست آمده است این همان است که تعجب و شکفت انسان را برمی انگیزد !

پس بنا بر این از نظر علمی و امکان واقعی هیچ بعید نیست انسانی در يك شرائط دیگر بیش از هزار سال زنده بماند .

### تحقیقات جهان پزشکی درباره طول عمر :

از نظر علم طب نیز عمر انسان محدود به هفتاد و هشتاد سال نیست و بلکه تمام اعضاء بدن انسان جدا جدا برای يك عمر طولانی ساخته شده است. یکی از دانشمندان در مقام مقایسه عمر انسان با سایر موجودات، مطالعات فراوان کرده بالاخره ثابت کرد



بدن آدمی برای آن ساخته شده که هزاران سال عمر کند» (۱) یکی از پزشکان می گوید : برای مدت زندگانی انسان ، حدیقه تجاوز از آن محال باشد معین نشده است ، (۲) یکی دیگر می گوید : «اگر می توانستیم نیم پائین روده هارا از تفاله براز پاک نگهداریم نگذاریم بدن از آن ناحیه مسموم شود مرگرا جواب می گفتیم . و بعض دیگر این ادعارا درباره جهازات دیگر کرده اند» (۳)

بعضی از دانشمندان می گویند : « تمام اعضاء رئیسه جسم حیوان . استعداد زندگی غیر محدودی دارد چنانکه عوارض و حوادثی پیش آمدن کند برای انسان امکان دارد که هزاران سال عمر کند» (۴)

چنانکه « ریمند ویرل » استاد دانشگاه « جونس هبانس » می گوید : اعضاء رئیسه جسم انسان استعداد و قابلیت خلود و دوام را دارد و این موضوع با آزمایشها اثبات شده است» (۵)  
 بالاخره نهایت چیزیکه تا کنون ثابت شده است : علت مرگ فرا رسیدن عمر طبیعی (۷۰-۸۰) سال نیست بلکه علت اصلی ، امراض و عوارضی است که یکی از اعضاء عارض شده در نتیجه آن

(۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۲۰

(۲) مصلح جهانی ص ۶۷.

(۳) و (۴) مقدمه نوید اسلام.

(۵) مجله المقطف سال ۹۵ شماره ۳.

عضو را از انجام کار باز میدارد و بواسطه ارتباط و اتصالیکه بین  
اعضاء برقرار است، از مرك آن عضو، مرك سایر اعضا نیز فرا می رسد.  
پس هنگامی که نیروی دانش توانست جلوی عوارض را  
بگیرد یا از تأثیر آنها مانع شود دیگر برای عمر هزار ساله انسان  
مانعی باقی نمی ماند .

### پیری خود یکنوع بیماری است :

فرضاً اگر دانش بشری روزی بتواند جلو امراض و عوارض  
را بگیرد ولی با پیری چه می توان کرد ؟  
جلو پیری را چگونه می توان گرفت ؟ پیری خود يك امر  
طبیعی است که در وقت معین بسراغ انسان می آید و انسان را از کار  
می اندازد .

پیری را بطور کلی می توان یکنوع بیماری دانست که اخیراً  
مطالعه درباره عوارض مربوط به پیری اعضا بدن آدمی ، مورد  
توجه دانشمندان قرار گرفته است . دانشمند آمریکائی  
( روی لی . والفورد ) استاد آسیب شناسی دانشگاه کالیفرنیا ،  
می گوید : پیری يك نوع بیماری مزمن و طولانی ناشی از نقل مکان  
سلولهاست ، (۱)

آنچه راهم اکنون متخصصین این رشته بدان معتقدند اینست :  
که مراحل گوناگون پیری تابع قوانین وابسته به دگرگونیهای



فیزیولوژیکی از قبیل تغییر در توانائی ترشحات غددی است و بهیچوجه جنبه نابودی و نیستی گرائی اجباری ندارد .

یکی از دانشمندان بزرگ غرب « مچنیکوب » عقیده داشت که : سمومات حاصله از تخمیر میکروبهای روده و یبوست ممکن است باعث پیری شوند و اگر بتوان آنها را از بین برد بر طول عمر اضافه خواهد شد (۱)

و حتی از نظر علمی این مرض قابل جلو گیری است : « با همت کارشناسان و متخصصان زبده ، اینکار محتملا عملی است (در زمان نامعلومی از آینده ) و بیماری پیری بطور قطع قابل علاج خواهد شد . باید اعتراف کرد که بتوان در فواصل زمان معینی آنها را برای تعمیر و سرویس پیاده و سوار کرد و این وضع همچنان تا ابد ادامه خواهد داشت . تاروژی که بشر بر مرک غلبه کند و یا عمر طولانی و بسیاری بدست آورد . » (۲)

و یکی از پزشکان کشور خودمان در این باره می نویسد :  
« حال اگر بشر پس از کشف علت اصلی پیر شدن در صدد رفع و دفع آن بر آید یا آماده پیر کننده ای که ایجاد شده با عناصر داروئی خنثی نماید ، آیا قبول است که عمر متوسط را زیادتر کرده و پیروزی بزرگی بدست آورده است ؟ تلاش بشر در این راه نشان دهنده

(۱) داد گستر جهان ص ۲۲۴

(۲) مجله دانشمند شماره ۴ سال ۴۷ ص ۵۰۴

چنین واقعیتی است که در نهادش این احساس درغلیان می باشد که می تواند عمر خود را به هزار سال و بیشتر برساند» (۱)

امروز بشر در این فکر است که بکرات دور دست آسمانی که احتمالاً صدها و یا هزارها سال وقت می خواهد، سفر کند و چون عمر کوتاه انسان با این نوع مسافرت های طولانی وفق نمیدهد در این صدبرآمده اند که برای رسیدن بکرات آسمانی اول باید عمر انسان را زیادتر کرد و لذا امروز در دانشگاه های مهم دنیا کرسی دو علم جدید «ژریاتری» و «جرو نتولژی» بهمین منظور مشغول فعالیت است و دانشمندان پیش بینی می کنند روزی خواهد رسید که بشر هم عمر خود را به هزاران سال می رساند و هم بکرات دور دست آسمانی سفر می کند.

چندی قبل در یکی از مجلات علمی این مطلب جلب توجه میکرد :

« زندگانی جاویدان در طول تاریخ همواره از رؤیاهای طلائی و دیرینه انسان بوده اما اکنون این رؤیا به حقیقت پیوسته است و این امر مدیون پیشرفتهای شگفت انگیز علم نوینی است که کربونیک ( Krbvnik ) نام دارد » (۲)

بدین ترتیب، عمر انسان از نظر علمی حد ثابت و معینی ندارد

(۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۰۶

(۲) مجله دانشمند بهمن ماه ۴۷ ص ۴



و بلکه انسان قابلیت آنرا دارد که هزاران سال عمر کند و هرگز زنده ماندن انسان برای سالیان دراز تعجب آور نیست .  
از این جهت جهان پزشکی در آینده عمر متوسط بیشتری را پیش بینی نموده و بلکه قطعی دانسته است .

روی این اصل طول عمر امام زمان (ع) از نظر تحقیقات علمی ، علاوه بر اینکه هیچ استبعادی ندارد بلکه از يك واقعیت علمی پرده برداری کرده و آنرا به اثبات رسانده است .

### منجمد ساختن بدن انسان بخاطر عمر طولانی :

دانشمندان تلاش می کنند که با منجمد نگاه داشتن بدن انسانی و نیمه جان ساختن آن شانس زندگی طولانی را برای قرنهای آینده بیشتر سازند .

اخیراً باین نتیجه رسیده اند که مرك نیز يك حادثه غیر قابل اجتناب نیست ، حتی مرك را نیز می شود يك بیماری دانست و حتماً لزومی ندارد که این بیماری کشنده باشد البته منظور از این مرك طبیعی است زیرا در این صورت جسم انسان ( از جمله مغز ) در حدود ۹۹ درصد زنده است و فقط تعداد کمی از سلولها از بین رفته اند . بقول یکی از مجلات علمی : اگر این بیمار را بعوض اینکه مطابق آئین مرسوم بدست متصدی کفن و دفن بدهیم او را بدست پزشك متخصص که به روشهای « کربونیک » آشنائی کافی دارد بسپاریم ( البته این کار باید به سرعت انجام شود ) پزشك او را

بكمك روشهای خاص كه آسیبی به اندامهای بیمار نمی‌رساند منجمد ساخته و او را در وضع (نه زیاد مرده) و برای مدت نامعینی در كپسولی كه نام آنرا كپسول آخرت می‌گذاریم حفظ می‌كند باین امید كه در آینده او را بزندگی دوباره باز گرداند. « (۱)

البته این علمی است كه در آینده وضع کلی جهان را تغییر خواهد داد و بزندگی رنك دیگری خواهد بخشید. همانطوريكه پرفسور «لورنس جیسون» متخصص این فن گفته است: « این برنامه، ژرفترین انقلابی است كه در تاریخ انسانی صورت می‌گیرد. » (۲)

**عمر هر موجود زنده تابع شرائط خاص زندگی است:**

همانطوريكه گفته شد، طبق نظریه زیست شناسان: مدت طبیعی عمر هر موجود زنده از نظر علمی حدمعین و ثابتی ندارد كه اگر بآن حد برسد مرگ آن حتمی باشد باین معنی این چنین نیست كه هر فرد بامقدار معینی از انرژی بدنیا می‌آید مثل ساعتيكه كوك شده باشد، این انرژی تا كاملاً بمصرف نرسیده به حیات خود ادامه می‌دهد ولی همینكه ماده حیاتی خاتمه یافت مثل ساعت كه كوكش تمام بشود، دیگر از حیات باز می‌ماند. بلکه عمر هر موجود زنده تابع شرائط زندگی است و با تغییر شرائط میزان عمرها نیز كم و زیاد می‌شود.

چنانكه بعضی از دانشمندان موفق شده‌اند عمر یكنوع حشره



میوه را نهصد برابر عمر طبیعی افراد آن نوع گردانند . این موفقیت در اثر آن بوده که آن حیوان را از سموم دشمنان حفظ نموده و محیط مناسبی برایش فراهم ساخته‌اند . (۱)

همچنین «دکتر جرج کلیبر» استاد دانشگاه «هال» زیست شناس، روی گیاهی که «ساپرو لینامگسنا» نامیده می‌شود آزمایش کرده و گیاه مزبور که معمولاً بیش از ۲ هفته عمر نمی‌کند آنرا پرورش داده تا عمر آن را شش سال کرده و با این تناسب ممکن است عمر آدمی بده هزار و نهصد و بیست سال برسد» (۲)

دکتر «کاس کارل» جراح معروف آمریکا؛ عضوی از حیوانی را قطع نموده و آنرا سالهای بیشتر از آن اندازه‌ای که خود آن حیوان عادتاً زنده می‌ماند زنده نگاه داشته است و همچنین آزمایش را دربارهٔ جسم از قبیل عضلات، قلب، پوست، و کلیتین انجام داده و باین نتیجه رسیده است که اعضای مذکور زنده می‌مانند و نموهم میکنند» (۳)

پس بنا بر این عمر هر موجود زنده بسته به شرائط و خصوصیات زندگی است و با تغییر شرائط عمرها نیز تغییر می‌یابد .

بدن انسان در مقابل بیماریها، حوادث، گرما و سرما

(۱) مجله الهلال سال ۳۸ شماره ۵.

(۲) الهلال شماره ۹ سال ۲۳ -

(۳) مجله: الی قنطف سال ۵۹ شماره ۳



شدید، تغذیه نامتناسب و سایر خطرات محیط آسیب پذیر می گردد  
احتمال مرگ در هر لحظه نزدیکتر می شود بالاخره تصادم عوامل  
خارجی با جسم انسان، فکر زیاد، ناراحتیهای عصبی و . . . از  
طول عمر می کاهند و مرگ انسانرا نزدیکتر می کنند.

روی این حساب اگر بشر روزی بتواند به عوامل و عوارضی  
که سبب کوتاهی عمر انسان می گردد چیره شود و بدن انسان را  
از هر گونه تصادم و حوادث بیمه کند در آن صورت بشر می تواند  
هزاران سال عمر کند.

چنانکه نخستین هدف «جرو نتولوژی»، اینست که تمام  
عواملی را که سبب می شوند انسان که بر لبه پرتگاه راه میرود با  
گذشت زمان دچار لغزش گردد، کشف و ارزیابی نماید، تاکنون  
هم تعداد زیادی از این عوامل شناخته شده است. فی المثل:

وراثت (ژنتیک) در طول عمر نقش قطعی دارد. بطوریکه  
بتجربه دیده شده است کسانی که والدین آنها عمر طولانی کرده اند  
عمرشان درازتر از کسانی است که زندگانی والدینشان کوتاه  
بوده است.

و همچنین در علم زیست شناسی ثابت شده است که در میان  
تمام حیوانات نسبت وزن مغز به وزن بدن طول عمر را تعیین می کند.  
و اینکه عمر انسان از تمام پستانداران طولانی تر است علت آن،  
اندازه و پیچیدگی مغز اوست و حتی فعالیت و کوشش در کار بویژه

فعالیت‌های روحی در درازی عمر مقام مهمی دارند یعنی بر طول عمر انسان می‌افزایند.

گذشته از اینها باعتراف دانشمندان، هم اکنون اصولی در دست می‌باشد که رعایت آنها بر طول عمر می‌افزاید و بعضی از کارشناسان غذائی معتقدند که: «منحصرأبوسیله بهداشت غذائی می‌توان زندگی را به بیش از صدها سال رسانید ما از آنچه می‌خوریم ساخته شده‌ایم» (۱) پس بنا بر این شرائط و خصوصیات جسمی و روحی هر فرد از افراد بشر تعیین کننده میزان عمر اوست.

خلاصه، داشتن عمر بسیار دراز از نظر علم هیچگونه اشکالی ندارد.

هیچ استبعاد ندارد برای یک نفر تمام شرائط و خصوصیات جسمی و روحی و اوضاع زندگی طوری فراهم شود که بتواند هزاران سال عمر کند و لذا مسئله طول عمر امام زمان (ع) يك موضوع روشن و حل شده است.

کریمی کاین جهان پاینده دارد

تواند حجتی را زنده دارد

**طول عمر امام زمان، از يك واقعیت علمی پرده**

**برداشته است**

بنا بر آنچه گذشت. طول عمر امام زمان مخالف علم و عقل نیست و بلکه اینگونه مطالب پیدایش بعضی از اکتشافات و دانشهای جدید



را پیشگوئی کرده و از موقعیت آنها خبر داده است باین معنی این عقیده خود نشان دهند. این حقیقت است که بشر پس از پایان پژوهشهای علمی بالاخره خواهد توانست عمر بسیار طولانی بدست آورد.

و حتی روایاتی که در باره حضرت ولی عصر (عج) ازائمه معصومین وارد شده شامل نکات بسیار جالبی است که از نظر کارشناسان و متخصصان علم «جرونتولوژی» نیز قابل توجه می باشد. در روایتی که از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده است فرمود: *یطیل الله عمره فی غیبه*، ثم یظهره بقدرته فی صورۃ شاب دون اربعین سنه ذلك لیعلم ان الله علی کل شیء قدیر، (۱)

خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی گرداند و پس از آن، بقدرت خود او را بصورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می سازد تا بداند خداوند بهر چیز قادر و تواناست،

از این قبیل اخبار و احادیث بسیار است که آنحضرت با اینکه دوران غیبتش بسیار طولانی خواهد بود ولی بصورت مردیکه کمتر از چهل سال دارد ظهور می کند و این نوع روایات، خبر شکفتن گیز و پیشگوئی از اعجاز آمیز پیشوایان اسلام است که در آینده بشر می تواند پیری را بتأخیر اندازد و دوران جوانی را طولانی سازد.

چنانکه از طریق تکنیک و روشهای نوین علم «بیولوژی»، نیز این مطلب پیشگوئی شده است. بالاخره علوم ژریانری و

جرونتواژی در آینده موفقیت شایانی را بدست خواهند آورد  
گویا که از ۱۴ قرن قبل خبر مسرت انگیز پیروزی آنها را اسلام  
داده است .

### مهدی (عج) در احادیث

تعداد بشاراتی که از پیشوایان دین در باره حضرت بقیت الله  
وارد شده بیش از آنست که در این مختصر ذکر شود و طبق آماریکه  
بعضی از نویسندگان فراهم کرده اند تعداد احادیث « مهدی »  
بیش از ۱۸۰۰ حدیث می باشد . (۱) و حدیث المهدی من ولدی  
از کلمات جامع نبی اکرم ، و یکی از روایات قطعیة الصدور  
می باشد .

جالب توجه اینکه احادیث صریحی مربوط به « مهدی »  
در بیشتر کتب معروف اهل تسنن حتی در میان صحاح سته دیده  
می شود و عده زیادی از بزرگان اهل سنت اعتراف کرده اند که  
احادیث مشهور یا از احادیث متواتره است . (۲)

برای تکمیل بحث نمونه هایی از این احادیث را در اینجا

(۱) رجوع شود به کتاب « منتخب الاثر » در این کتاب  
فهرست جامعی از احادیث مهدی نقل شده و طبق آن ، احادیث مزبور  
تقریباً به ۱۸۸۲ عدد بالغ است .

(۲) التاج ج ۵ ص ۳۱۰ - نورالابصار صفحه ۱۵۷

صواعق : امن حجر عسقلانی ص ۹۹



می آوریم :

۱- پیغمبر اکرم (ص) فرمود : «لن تنقضي الايام و الليالي حتى يبعث الله رجلا من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي يملأها عدلا و قسطاً كما ملئت ظلما وجورا» (۱)

«روزها و شبها پایان نمی رسند تا اینکه خداوند مردی را از اهل بیت من که هم نام من است ، برمی انگیزد زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه ظلم و ستم پر شده باشد»

۲ - مرحوم مفید در «ارشاد» چنین نقل میکند، «قال (ص) لولم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث فيه رجلا من ولدي يواطى اسمه اسمي يملأها عدلا وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً» (۲) هر گاه به پایان دنیا فقط يك روز بماند خداوند این روز را بقدری طولانی می کند تا اینکه در این روز مردی که از فرزندان من بوده و نامش هم از نام من است، برمی انگیزد زمین را از عدل و داد پر می کند بعد از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد ، و این مضمون را عده زیادی از ائمه حدیث از خاصه و عامه در کتب خود نقل کرده اند .

۳ - ابوداود در صحیح خود از ابوسعید خدری نقل میکند: «قال رسول الله (ص) المهدي مني احبني الحلي بهه اقني الانف يملأ

(۱) کتاب ارشاد - مرحوم مفید ص ۳۲۶ - بحار

ج ۵۲ ص ۲۴۰

(۲) ارشاد ، مفید ص ۳۲۶

الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً يملك سبع سنين» (۱)  
 در این حدیث و امثال آن موضوع قیام مهدی چنان قاطع و جدی  
 و صریح بیان شده که حتی مشخصات سیمای او نیز تعیین گردیده  
 است . اجلی الجبهه بکس گویند که پیشانی او بلند و دو طرف آن  
 در میان موهای سرش پیش رفته باشد . واقفی الالف هم کسیکه  
 وسط بینی او کمی برآمدگی دارد .

۴ - حضرت امام باقر (ع) فرمود : اذا قام قائمنا وضع  
 یده علی رؤس المباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم، وقتی  
 قائم ما قیام کند ، دست خود را بر سر بندگان می نهد و عقول و  
 افکار پراکنده آنان را جمع میکند و اندیشه آنها را بحد کمال  
 می رساند، (۲) آری در نتیجه رهبری حضرت قائم (عج) سطح  
 عقول و افکار مردم بالامیرود و مردم در سایه تعلیم و تربیت چنین  
 رهبری عظیم تکامل عقلی و علمی پیدا میکنند .

۵ - عیاشی از اسناد خود از عمران بن میثم از عبایه نقل  
 می کند که حضرت امیر مؤمنان (ع) آیه : هو الذی ارسل رسوله  
 بالهدی و دین الحق لیظهره علمی الدین کله .. را قرائت فرمود  
 و سپس از یاران خود سؤال کرد : اظهر ذلک ؟ قالوا : نعم - آیا  
 این وعده عملی شده است که دین مبین اسلام بتمام ادیان غلبه

(۱) صحیح ابودارذ ج ۲

(۲) بحار الانوار ج ۶۲ چاپ جدید ص ۳۱۷



میکند، عرض کردند : آری

حضرت فرمود : کلا ! فوالذی نفسی بیده حتی لا یبقی  
قریه الاوینادی فیها بشهاده آن لاله الا الله بکره و عشیما : نه  
قسم بخدائی که جان من در دست اوست حقیقت این ظاهر نمی شود  
مگر زمانی که هیچ قریه ای در زمین نماند مگر اینکه صبح و شام  
بانك لاله الا الله در آن بگوش برسد (۱) البته این غلبه در زمان  
خود رسول اکرم نیز عملی گردید ولی پیروزی کامل اسلام بر  
تمام ادیان وقتی است که قائم آل محمد (ص) ظهور کند آری در  
حکومت حضرت قائم در سرتاسر گیتی پرچم توحید و خداشناسی  
باهتزاز درمی آید و در سایه رهبری آن پیشوای بزرگ دنیا بکانون  
صلح و صفا مبدل می گردد .

در انتظار آن روز !

(۱) نقل از مجمع البیان سوره صف آیه ۹ ولی در تفسیر

این آیه مفسرین احتمالات دیگری هم داده اند که به جهت اختصار از  
ذکر آنها صرف نظر گردید .